

الطبعة الثانية

حقيقة الشيشة

تأصيل وتوثيق من خلال سبعين رسالة اعتقادية
من القرن الثاني لغاية القرن العاشر الهجري

جمع و تحقيق و تقديم

الشيخ محمد رضا الانصاري القمي

٥٦

رسالة في عقائد الإمامية

ضياء الدين علي بن سعيد الدين داود الحسيني الجرجاني

لعله من أعلام القرن التاسع الهجري

❖ هذه الرسالة الخامسة من مجموعة رسائل الجرجاني الاعتقادية، وهي كسابقاتها مدونة باللغة الفارسية، وتحمل نفس الموصفات التي تحدّثنا عنها في بداية الرسالة الفارسية الأولى. وقد اعتمدت في تحقيقها على النسخة الموجودة في خزانة مكتبة عتبة الإمام الرضا عليه السلام بخراسان، وهي برقم . ٨٣٩٥





قال الفقير إلى الله المجيد، ضياء الدين بن سديد الجرجاني رحمة الله عليه:

اگر ترا پرسند: که خدا را شناسی؟

بگو: بلی شناسم.

اگر ترا پرسند: به چه دلیل خدای را شناسی؟

بگو: به آنکه عالم را آفرید و ایجاد کرد، پیش از آنکه عالم نبود.

اگر ترا پرسند: که عالم چیست؟

بگو: ما سوی الله را عالم گویند، چون آسمان و زمین و آفتاب و ماهتاب و ستارگان و حیوانات و جمادات، و غیر آن در فرمان او است.

اگر ترا پرسند: که صفات ثبوتیّه که خدای را سزد و شاید، کدام است؟

بگو: آنکه موجود، و واجب الوجود، و قدیم و ازلی، و باقی و سرمدی، و قادر، و حی و سمیع و بصیر، و مُدرِک، و کاره، و متکلم، و یکی است.

اگر ترا پرسند: که صفات سلبیّه که خدا را نسزد و نشاید، کدام است؟

بگو: آنکه وی جسم، و جوهر، و مرکب، و متحدی، و محتاج، و عَرض، و زمانی، و مکانی، و دیدنی نیست، و حلول بر وی روانیست.

اگر ترا پرسند: که ایمان چیست؟

بگو: ایمان تصدیق بود؛ یعنی اقرار کردن به زبان، و عمل کردن به ارکان، زیرا

که فرموده‌اند: «الإيمان إقرار باللسان، و عمل بالأركان».

اگر ترا پرسند: که به چند چیز ایمان داری؟

بگو: به پنج چیز:

أول: ايمان دارم به خدای عز و جل .

دویم: ايمان به رسولان و پیغمبران و إمامان وی .

سیم: ايمان دارم به فرشتگان وی از مؤمن و مؤمنه .

چهارم: ايمان دارم به كتابهای وی .

پنجم: ايمان دارم به روز قیامت .

بدین پنج نوع بود.

اگر ترا پرسند: که اصول دین چند است ؟

جواب بگو: که پنج است :

أول: توحید .

دویم: عدل .

سیم: نبوت .

چهارم: امامت .

پنجم: معاد .

اگر ترا پرسند: که توحید به چه معنی است ؟

جواب بگو: آنکه بدانی و اعتقاد کنی که خدا یکی است و دو نیست، و بی شریک و بی نظیر و بی میثُل و بی مانند و بی همتا .

اگر ترا پرسند: که به چه دلیل می‌گویی که خدایکی است و دو نیست ؟

جواب بگو: آنکه ما می‌بینیم که در یک شهر یا در یک قریه، بلکه در یک اقلیم

دو پادشاه یا دو فرمانفرما باشند، نمی‌شود که میان ایشان نزاع و فساد نشود .

و دیگر آنکه: جناب أقدس الهی صد و بیست چهار هزار پیغمبر آفرید، و همه

آمدند و گفتند که خدا یکی است. اگر چنانچه خدای دیگر - العیاذ بالله - می‌بود،

بایست که او هم پیغمبری بفرستد. پس معلوم شد که خدا یکی است و دو نیست.

اگر ترا پرسند: که عدل چه معنی دارد؟

جواب بگو: به آنکه خدا عادل است و ظالم نیست، و ظلم بر بندگان خود رواندارد.

اگر ترا پرسند: که به چه دلیل می‌گویی که خدا عادل است، و ظالم نیست؟

جواب بگو: آنکه ظلم کسی می‌کند که احتیاج داشته باشد، و جناب أقدس الهی محتاج نیست.

و دیگر: ما می‌بینیم که در میان قرآن چند جا ظالم را لعنت کرده است، پس چگونه می‌شود که ظالم باشد!

پس، بنابراین خدای عادل است، و ظالم نیست.

اگر ترا پرسند: که امامت به چه معنی است؟

جواب بگو: آنکه بدانی که علی بن ابی طالب با یازده فرزندش امامند، بر حقّند.

اگر ترا پرسند: که به چه دلیل می‌گویی که ایشان امامند، و غیر ایشان امام نیست؟

جواب بگو: که امامت چیزی نیست که هر کس باید و بگوید که من امام. و امامت علامت و نشانه دارد. و علامات او این است که باید آعلم باشد و آفهّم و آشجع باشد. پس معلوم شد که غیر ایشان کسی دیگر امام نیست.

چهارم: نبوّت.

اگر ترا پرسند: که نبوّت به چه معنی؟

جواب بگو: به این معنی که پیغمبر ﷺ ختم صد و بیست چهار هزار پیغمبران است.

اگر ترا پرسند: که به چه دلیل می‌گویی که جناب پیغمبر ختم صد و بیست چهار هزار پیغمبران است، و بعد از او کسی نیست؟

جواب بگو:

اولاً: آنکه پیغمبری هم علامات و نشانه دارد. علامات پیغمبر ما ﷺ آن است که معجزه می‌نمودند. و نشانه او آن بود که قرآن از برای او نازل شده.

وثانياً: آنکه جناب أقدس الهی در آیه قرآن می‌فرماید که: «وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ»، و همچنین: «وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ».

پس معلوم شد که ختم نبوّت با جناب پیغمبر است، و بعد از او کسی نیست.

اگر ترا پرسند: که معاد به چه معنی؟

بگو: آنکه مُرْدَن و زنده شدن و فشارش قبر و سؤال نکریں، همه بر حق است.

اگر ترا پرسند: که فروع دین چند است؟

جواب بگو: شش است:

أول: نماز.

دویم: روزه.

سیّم: خمس.

چهارم: زکات.

پنجم: حجّ.

ششم: جهاد.

اگر ترا پرسند: که افعال نماز چند است؟

جواب بگو: که هشت است:

أول: قیام.

دویم: نیت.

سیّم: تکبیرة الإحرام.

چهارم: رکوع.

پنجم: سجود.

ششم: تشهید.

هفتم: سلام.

هشتم: قرائت.

اگر ترا پرسند: که سهو بر چند قسم است؟

بگو: بر سه قسم:

أول: آنکه سهوی است که نماز را باطل نمی‌کند، و تلافی هم ندارد.

دویم: سهوی است که نماز را باطل نمی‌کند اما تلافی دارد.

سیّم: سهوی است که نماز را باطل می‌کند مطلق.

أمّا سهوی که نماز را باطل نمی‌کند: آن سهو کردن حمد یا سوره است، که اگر کسی فراموش کرده باشد، نماز باطل نمی‌شود.

دوّیم: سهوی که باطل نمی‌کند و تلافی دارد، آن فراموش کردن یک سجده است یا تشهید یا سلام.

و سهوی که نماز باطل می‌شود: سهو کردن رکنهاست هر رکعتی باشد؛ که اگر کسی رکن را فراموش کند، بعد از آنکه به خاطرش می‌آید که یک رکن را به عمل نیاورده است، نمازش باطل است.

و بعضی در تشهید و سلام و قنوت خلاف کردہ‌اند، أمّا احتیاط شرط است؛
والله أعلم بالصواب.

